



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱۴ بهمن ۱۳۹۹

مصادف با: ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۲

موضوع جزئی: مسئله ۲۳- ادله لزوم حجاب زن - دلیل اول: آیات - آیه سوم: آیه «ولاییدین زینتهن الا ما ظهر منها»
محصل دو اشکال و پاسخ آن - نتیجه استدلال به آیه - کلام محقق خوبی

جلسه: ۷۶

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در آیه «ولاییدین زینتهن الا ما ظهر منها» بود که تقریب استدلال به این آیه بر لزوم پوشش و ستر زن را بنا بر معنایی که ما اختیار کردیم، بیان شد. از بین آن سه احتمال، گفتیم زینت در آیه به معنای ما تنزین به المرأة است؛ بر این اساس و قرائن و شواهدی که ذکر کردیم، گفتیم آیه بر لزوم پوشش زن دلالت می‌کند.

محصل دو اشکال و پاسخ آنها

دو اشکال و پرسش مطرح شد که آن را هم پاسخ دادیم:

اشکال اول: یکی اینکه این آیه متعرض حکم غیر مواضع زینت نمی‌شود؛ اگر شما بگویید دارد به زینت‌های ظاهری اشاره می‌کند و بالملازمه ابداء مواضع زینت را مورد نهی قرار می‌دهد، این معنایش آن است که پس نسبت به غیر مواضعی که اساساً زینتی به آن مواضع آویخته نمی‌شود، اعضایی که زینتی بر آنها قرار نمی‌گیرد یا به تعبیر دیگر غیر مواضع زینت، آیه هیچ حکمی نداشته باشد. پس باید نتیجه بگیریم که آیه دلالت بر حرمت ابداء غیر این مواضع نمی‌کند.

پاسخ: این را پاسخ دادیم و گفتیم اولاً زینت‌هایی که وجود دارد تقریباً اکثر مواضع را می‌گیرد؛ به علاوه نوع این زینت‌ها در جاهایی است که می‌تواند آشکار باشد؛ غیر این مواضع را نوعاً مردم می‌پوشانند. یعنی در عرف همیشه اینطور بوده، مگر در شرایط خاص و فرهنگ‌های خاص و برخی از افراد غیرمتعارف، و الا با توجه به اینکه غیر مواضع زینت نوعاً پوشیده است، آن را کأن آیه مفروغ عنه گرفته و اگر به آن تعرض نکرده برای این است که آنها نوعاً پوشیده است و باید ستر و پوشش بقیه اعضا که نوعاً آشکار است حکمش بیان می‌شد.

اشکال دوم: سؤال و پرسش دوم هم این بود که زنانی که اساساً زینت استفاده نمی‌کنند یا زنانی که زینت استفاده می‌کنند نسبت به حالاتی که زینت استفاده نمی‌کنند، آیا آیه نسبت به آنها حکمی ندارد؟ اگر ما بگوییم منظور زینت است، پس باید بگوییم اگر زن زینت استفاده نکند، سترش واجب نیست.

پاسخ: این را هم عرض کردیم که در واقع نظر به غالب زنان دارد و نظر به حالت غالبی دارد. در واقع یک معبری است برای اینکه به آن مدلول التزامی اشاره کند. نه در این مجاز است، نه حذف است، و هیچ مشکلی هم پیش نمی‌آورد؛ چون غالب زنان و غالب حالات مورد نظر است، لذا این دو شبهه و اشکال هم مانعی در برابر این بیان به نظر نمی‌رسد.

نتیجه استدلال به آیه

پس بنابر معنای مختار، به نظر ما آیه دلالت دارد. روایات را هم در ادامه عرض خواهیم کرد؛ چون گفتیم هم موافق با لغت

است، هم روایات این را تأیید می‌کند و هم اینکه اگر بخواهیم غیر از این معنا کنیم، یک محذوراتی دارد و این معنا اقل محذوراً از سایر احتمالات است. به همین دلیل ما این معنا را انتخاب کردیم و تقریب استدلال آن را هم گفتیم. دو احتمال دیگر باقی می‌ماند.

تقریب استدلال بنا بر دو احتمال دیگر

اگر گفتیم منظور از زینت خود زنان هستند، این مشکلی در تقریب استدلال ندارد؛ یعنی وقتی بگوییم به واسطه روایات «النساء عی و عورة» زینت را حمل بر خود زن کنیم و بگوییم منظور زینت خلقی و طبیعی است، یا آنطور که برخی دیگر گفته‌اند اعم از مصنوعی و طبیعی که شامل تمام بدن و جسد زن شود، اینجا دیگر تقریب استدلال به آیه کاملاً واضح است؛ زینتهن یعنی خودشان را آشکار نکنند. این نهی از آشکار کردن و دقیقاً به معنای لزوم ستر و پوشش است. پس طبق این احتمال مسأله روشن است.

طبق آن احتمال هم که بگوییم منظور از زینت، مواضع الزینة است، مشکلی در استدلال نیست. لذا بناءً علی الاحتمالات الثلاثة المذكورة آیه قابلیت استدلال برای لزوم ستر و پوشش زن را دارد؛ هر چند به نظر ما یک احتمال از بین این احتمالات سه‌گانه اصح و اقوی است و آن دو احتمال مبتلا به اشکالاتی است.

کلام محقق خویی

ما عرض کردیم مرحوم آقای خویی اینجا یک مطلبی دارد که قبلاً هم اشاره کردیم در ضمن بیان احتمالات، که خوب است آن بیان را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم. مرحوم آقای خویی در این مسأله توضیح خاصی نداده‌اند و این را ارجاع داده‌اند به همان مسأله‌ای که مربوط به استثناء وجه و کفین از حرمت نظر است. آنجا ایشان این آیه را نقل کرده که عده‌ای برای جواز نظر به وجه و کفین به این آیه استدلال کرده‌اند و تقریب استدلال به این آیه را هم ذکر کرده که مقتضای استثناء در این آیه، جواز ابداء مواضع زینت ظاهر است و اینکه وجه و کفین واجب الستر نیستند. این قول قائلین به جواز است. بعد ایشان در مقام بررسی نظر آنها و این استدلال نکاتی را فرموده است. من نمی‌خواهم تمام مطالب ایشان را ذکر کنم؛ چون مطالبی که ایشان در بررسی استدلال این آقایان گفته‌اند بیشتر معطوف به مسأله دلالت این آیه بر جواز نظر به وجه و کفین است. اما چون این مبتنی بر معنای آیه است و اینکه آیا ستر و پوشش از آن فهمیده می‌شود یا نه، آن بخش را در اینجا متعرض می‌شوم. یعنی کأن اینجا دو مطلب است؛ یکی دلالت این آیه بر پوشش و ستر، تارة در ناحیه مستثنی و اخری در ناحیه مستثنی منه. بعد در مورد دلالت این آیه بر جواز و عدم جواز نظر؛ اینها به هم پیوسته است. ما عمدتاً به آن بخش اول کار داریم.

آقای خویی در مقابل استدلال قائلین به جواز اینطور فرموده: «أن الاستدلال بها تارة یکون بملاحظتها فی حد نفسها و مع قطع النظر الی النصوص واردة فی تفسیرها و اخری بملاحظتها منضمة إلی تلك النصوص»، می‌گوید استدلال به این تارة به ملاحظه خود این آیه با قطع نظر از روایاتی که در مقام تفسیر این آیه وارد شده‌اند و اخری با ملاحظه این آیه در حالی که منضم به آن روایات است. بعد می‌گوید «فان كان الاول فلا يخفى أنه لم يثبت كون المراد بالزينة مواضعها بل الظاهر من الآية الكريمة إرادة نفس ما تتزين به المرأة»، می‌گوید با قطع نظر از روایات، فی نفسه از آیه فهمیده می‌شود که آن چیزهایی که زن با آن خود را می‌آراید و زینت می‌کند، این را آشکار نکند. یعنی زیورآلاتش را آشکار نکند. «و يؤيد ذلك قوله عز وجل فی ذیل الآية ولا یضربن بارجلهن یعلم ما یفخین من زینتهن»، این آیه‌ای که در ذیل آیه ۳۱ نور آمده مؤید قرار می‌دهد با این بیان که «فان

من الواضح أن ضرب الرجل على الارض لا يوجب العلم بموضع الزينة»، چون در ذیل نهی کرده از ضرب الارجل، آن هم به این جهت که ما یخفین من زینتهن اعلام شود. می‌گوید این روشن است که صرف زدن پا بر زمین، موجب علم به موضع زینت نمی‌شود، «و إنما الذى يوجبه هو العلم بنفس الزينة من الخلخال وغيره»، آن چیزی که موجب علم به موضع زینت می‌شود، علم به نفس زینت است. «فان ضرب الرجل يوجب حركتها و ايجاد الصوت فيعلم بها لا محالة»، اینکه پا را بر زمین می‌کوبد موجب حرکت آن زیورآلات می‌شود و این صدا باعث می‌شود که مایخفین دانسته شود.

این در مرحله اول بود. بعد می‌فرماید: «و إن كان الثانى»، یعنی اگر ما این آیه را با ملاحظه روایات در نظر بگیریم، «و إن كانت صريحة فى أن المراد بالزينة إنما هو مواضعها إلا أنه لابد من التكلم فى معنى البداء كى يعرف منه معنى الآية الكريمة»، می‌گوید اگر با ملاحظه روایات بخوایم در نظر بگیریم، روایات صریح هستند در اینکه مراد به زینت، مواضع الزينة است. روایات دیگر کاری به ما تترین به المرأة ندارد و موضع زینت را می‌گوید. منتهی «لابد من التكلم فى معنى البداء»، ببینیم این بداء به چه معناست تا معنای آیه معلوم شود. ایشان در ادامه می‌گویند بداء به معنای ظهور است؛ ابداء به معنای اظهار است. یعنی یک فعل لازم دارد و یک فعل متعدی؛ یکی ظهور است مثل «بدت لهما سواتهما»، و یکی هم به معنای ابداء است. منتهی در مورد ابداء ایشان می‌فرماید اگر با «لام» متعدی نشود، این در مقابل ستر است. اما اگر متعدی به «لام» شود، اینجا در مقابل اخفاء به معنای اعلام و ارائه است. پس در حقیقت ایشان می‌گویند ما یک بداء داریم، یک ابداء داریم و یکی ابداء له؛ اولی به معنای ظهور است، دومی به معنای اظهار در مقابل ستر است و سومى اظهار در مقابل اخفاء، یعنی اعلام و ارائه کردن. بعد ایشان می‌فرماید اگر گفته می‌شود «يجب على الرجل ستر عورته» این معنایش «يجب ستر العورة» است؛ یعنی آن را بیوشاند و در جایی که احتمال وجود ناظر می‌دهد، آن را اظهار نکند. در واقع ابداء بدون تعدیه به «لام» غیر از ابداء با تعدیه به «لام» است. و ستر عورة الرجل از قبیل دومی است؛ وقتی می‌گویند مرد عورتش را بیوشاند، یعنی این اظهار و اعلام به دیگران نکند. آن وقت معنای «ولا يبدین زینتهن الا ما ظهر منها» در اینجا همین است؛ یعنی زن بدنش را اعلام و ارائه نکند. وقتی می‌گویند بدن المرأة کله عورة، این یعنی مثل يجب على الرجل ستر عورته، یعنی همانطور که رجل نباید عورتش را اظهار و اعلام کند و ارائه کند، زن هم نباید بدنش را اعلام و ارائه کند و اظهار کند لغیر. یعنی اگر احتمال وجود ناظر می‌دهد نباید این را آشکار کند. بله، اگر احتمال وجود ناظر اصلاً ندهد، اشکال ندارد؛ همانطور که در مورد عورة الرجل نیز این چنین است. احتمال وجود ناظر اگر نمی‌دهد اشکالی ندارد، ولی اگر احتمال وجود ناظر می‌دهد یا یقین به وجود ناظر دارد، این نباید خودش را اعلام و ارائه کند. آن وقت ایشان می‌گویند «و من هنا يظهر معنى الآية الكريمة فإن قوله عز وجل اولاً ولا يبدین زینتهن الا ما ظهر منها إنما يفيد وجوب ستر البدن الذى هو موضع الزينة و حرمة كشفه ما عدا الوجه و الكفين»، یعنی کأن همه بدن را می‌گوید موضع زینت است و نباید اعلام شود. حالا وجه و کفین زینت ظاهره هستند و اشکالی ندارد. «فيستفاد منه أن حال بدن المرأة حال عورة الرجل لابد من ستره بحيث لا يطلع عليه غيرها»؛ مسأله جواز و ملازمه‌اش یک مطلبی است که ایشان بعداً نقل می‌کند و ما فعلاً با آن کاری نداریم. عمده این است که می‌گویند معنای آیه چنین است.

ایشان کأن می‌گویند بدون ملاحظه روایات معنای زینت همان ما تترین به المرأة است؛ با ملاحظه روایات منظور از زینت همان موضع الزينة است. ولی برای اینکه آیه را بفهمیم باید معنای ابداء را توضیح دهیم. آن وقت با توضیحی که پیرامون معنای ابداء

می‌دهد و اینکه «لام» اگر به عنوان حرف تعدیه ذکر شود، معنایش این است که اگر احتمال وجود ناظر داده می‌شود باید حتماً خودش را بیوشاند، نتیجه می‌گیرد کل بدن زن باید پوشیده شود؛ حالا استثناء وجه و کفین بحث دیگری است. آن را می‌گوید براساس این آیه پوشیدنش لازم نیست اما این لازمه‌اش این نیست که دیگران می‌توانند به وجه و کفین هم نگاه کنند. عمده این است که مرحوم آقای خویی زینت را حمل بر بدن المرأة نکرده و اصلاً نمی‌گوید زینت به معنای بدن المرأة است؛ قبول هم دارد که در لغت زینت به معنای ما تتزین به المرأة است، همان معنایی که می‌گوید آیه با قطع نظر از روایات هم این معنا را می‌رساند. ولی روایات هم این را به موضع زینت تفسیر کرده اما مع ذلك منظور آیه کل بدن زن است؛ این چطور است؟ آیا این حرف درست است؟ تکیه ایشان روی مسأله ابداء است؛ می‌گوید از یک طرف روایات زینت را به موضع الزینة تفسیر کرده‌اند؛ اگر موضع الزینة باشد دیگر نمی‌توانیم بگوییم منظور از زینت، بدن المرأة است.

سؤال:

استاد: با توجه به معنای ابداء این را می‌گوید؛ اما قبلش می‌گوید روایات «و إن كانت صريحة في أن المراد بالزينة إنما هو مواضعها» که روایات را بعداً خواهیم گفت. ولی مجموعاً با توجه به معنای ابداء و اینکه معنایی که با تعدیه به «لام» پیدا می‌کند ... می‌گوید این مثل آنجاست و قرینه می‌گیرد که «ولاییدین زینتهن الا لبعولتهن» این می‌گوید درست است «لام» ندارد ولی اینجا در واقع للغیر است و به قرینه آن می‌گوید اینجا لاییدین زینتهن للغیر؛ چون آنجا هم می‌گوید لبعولتهن دارد. ... به قرینه آن می‌گوید اینجا در واقع همین معنا را دارد؛ یعنی کأن درست است ذکر نشده ولی این ناظر به اظهار للغیر است؛ می‌خواهد بگوید اگر احتمال وجود ناظر داده می‌شود، نباید ابداء شود. ... ما هم به حرف آقای خویی اشکال داریم، اما اصل حرف ایشان را بفهمیم که چه می‌خواهد بگوید. ... این عبارت می‌گوید «و إن كانت صريحة في أن المراد بالزينة إنما هو مواضعها» برای اینکه معنای آیه را بخوایم بفهمیم، باید ببینیم ابداء چه معنایی دارد. این یعنی چه که از یک طرف می‌گوید روایات صریح در این است که «أن المراد بالزينة إنما هو مواضعها»، اگر آن تأثیری ندارد چرا ابداء را توضیح می‌دهد؟ ... می‌گوید «فاذا كان متعلقاً بشيءٍ و لم يكن متعدياً باللام يكون في مقابل الستر»، ابداء در مقابل ستر با ابداء در مقابل اعلام چه فرقی با هم دارند؟ ... ستر و اخفاء چه فرقی دارند؟ چرا ایشان روی این تأکید می‌کند؟ چرا می‌گوید ابداء بدون لام در مقابل ستر است و ابداء با لام به معنای اخفاء است. ستر و اخفاء چه فرقی با هم دارند؟ اگر این مسأله در اینجا تأثیر نداشت و اگر پای غیر در کار نبود، اگر احتمال وجود ناظر نبود، این بحث‌ها مطرح نمی‌شد. مسأله این است که می‌گوید در یک جا ابداء در مقابل ستر است به معنای اظهار، ابداء. ابداء به معنای اظهار است؛ کأن می‌خواهد بگوید ما دو جور اظهار داریم؛ اظهار فی مقابل الستر، اظهار فی مقابل الاخفاء. اخفاء با ستر چه فرقی می‌کند؟ ... این می‌خواهد بگوید در جایی که احتمال وجود ناظر داده می‌شود، همه تکیه ایشان این است که تنظیر می‌کند به عورة الرجل؛ اگر ایشان منظورش این بود که منظور از زینت، موضع الزینة است، موضع زینت هم روشن است؛ بحث ابداء برای چیست؟ اینکه دارد تنظیر می‌کند به آن، می‌گوید همانطور که مرد اگر احتمال وجود ناظر بدهد کأن این حکم مربوط به احتمال وجود ناظر است، باید اخفاء کند، زن هم اگر احتمال وجود ناظر می‌دهد باید اخفاء کند. این نکته دقیقش این است. ... ایشان در آخر می‌گوید «فیتحصل من جميع ما تقدم أن الآیة الکریمة بملاحظة النصوص الواردة في تفسير الزينة تفيد حکمین، الاول حکم ظهور الزينة في حد نفسه فتفيد وجوب ستر غير الظاهرة

منها دون الظاهرة التي هي الوجه و الیدان» می گوید اینجا دو حکم از آیه فهمیده می شود که این حکم اول بود. «الثانی حکم اظهار الزینة للغير فتفيد حرمة مطلقاً من دون فرق بين الظاهرة و الباطنة الا للمذكورين في الآية الكريمة حيث يجوز لها الاظهار لهم». می گوید در این آیه با ملاحظه روایات و با توجه به اینکه ابداء اگر با «لام» متعدی شود معنایش این می شود، دو حکم از این آیه فهمیده می شود؛ یکی حکم ظهور الزینة فی حد نفسه؛ یکی حکم اظهار الزینة للغير. در مورد اولی می گوید آیه می گوید باید بیوشاند؛ آیا معنای «وجوب ستر غیر الظاهرة منها» این است که اگر در خانه هم تنها بود باید بیوشاند؟ اگر جایی یقین دارد که هیچ ناظری وجود ندارد، باز هم باید بیوشاند؟ نه؛ اینجا می گوید اگر احتمال وجود ناظر هست، این باید بیوشاند. «وجوب ستر غیر الظاهرة منها» معنایش همین است؛ و الا اگر یقین دارد کسی نیست، در خانه هم نمی تواند بدون پوشش باشد؟ پس این حکم اول مربوط به فرض وجود احتمال ناظر است. حکم دوم اظهار الزینة للغير؛ اینجا برای آنجایی است که یقین به وجود ناظر دارد. می گوید اگر یقین دارد ناظری هست، اصلاً حرام است که آشکار کند. حرمة الاظهار، این دو حکمی است که از این آیه فهمیده می شود. این محصل نظر مرحوم آقای خوئی است.

البته عرض کردم ایشان اینها را به عنوان یک بخش از اشکالشان به استدلال قائلین به جواز نظر به وجه و کفین ذکر می کند، بعد نتیجه می گیرد که فعلاً با آن بخش کاری نداریم، «و حيث عرفت أن حرمة الاظهار و وجوب التستر»، می گوید ما دو حکم داریم؛ یکی حرمة الاظهار و یکی وجوب التستر داریم. «تلازم حرمة النظر اليها فتكون الآية الكريمة اولی بالاستدلال بها علی عدم الجواز من الاستدلال بها علی الجواز». می گوید استدلال به این آیه بر عدم جواز اولی است تا استدلال به این آیه بر جواز. عمده این است که می گوید از آیه دو حکم فهمیده می شود؛ یکی وجوب التستر و یکی حرمة الاظهار. آیه این دو را دلالت می کند. ولی ایشان نمی خواهد بگوید که زینت به معنای بدن مرأه است. این با توجه به اینکه صریح دارد می گوید؛ اول می گوید معنایش این است و بعدش هم می گوید مواضع الزینة و ما این را هم می دانیم که حمل الزینة علی بدن المرأة غیر از حمل الزینة علی مواضع الزینة است. ... ایشان می خواهد بگوید منظور از مواضع زینت، بدن است؟ ... نتیجه ای که از موضع زینت می گیرد این است، ولی آیا ایشان می خواهد بگوید زینت به معنای بدن است؟ می گوید «إنما يفيد وجوب ستر البدن الذي هو موضع الزینة»، ... اینجا دو بحث است؛ یکی اینکه زینت به چه معناست که سه احتمال در اینجا گفتیم. قطعاً آقای خوئی معتقد نیست که زینت به معنای بدن المرأة است. ولی اینجا می گوید آیه دلالت دارد بر وجوب ستر بدن. بله، آن وقت ممکن است بگوید وقتی موضع زینت گفته می شود، این شامل بدن هم می شود، حالا اینکه به چه تقریبی این بحث دیگری است. پس ایشان زینت را به معنای بدن المرأة نمی داند.

«والحمد لله رب العالمين»